

لزوم تداوم مسیر هوشمندسازی گمرکات و تسهیل مقررات در حوزه اقتصاد دیجیتال



عضو کمیسیون صنایع و معادن مجلس شورای اسلامی با تأکید بر ضرورت تسریع در هوشمندسازی فرآیندهای اقتصادی

گفت: روندی که وزارت اقتصاد در زمینه هوشمندسازی و تسهیل فرآیندهای مجوزها و مقررات زدایی در گمرکات و اقتصاد دیجیتال آغاز کرده، باید با قدرت در سال سوم دولت نیز ادامه پیدا کند.

مصطفی پوردهقان، عضو کمیسیون صنایع و معادن مجلس شورای اسلامی در گفت‌وگو با خبرنگار صنعت، تجارت و صنایع وزارت امور اقتصادی و دارایی در حوزه هوشمندسازی اظهار کرد: اصل حرکت به سمت هوشمندسازی و استفاده از ابزارهای دیجیتال در فرآیندهای اقتصادی اقدام مثبتی است، اما معتمد این اتفاق می‌توانست بسیار زودتر از این آغاز شود. بخش قابل‌توجهی از مشکلاتی که امروز در فرآیندهای اداری، تجاری و اقتصادی شاهد آن هستیم، ناشی از تداوم روش‌های سنتی و بروکراسی‌هایی است که سال‌ها در دستگاه‌های مختلف وجود داشته است.

وی افزود: استفاده از سامانه‌های هوشمند و حرکت به سمت دیجیتالی شدن فرآیندها می‌تواند بسیاری از این موانع را کاهش دهد. وقتی بخش قابل‌توجهی از امور بدون مراجعه حضوری و از طریق سامانه‌های الکترونیکی انجام شود، هم سرعت ارائه خدمات افزایش پیدا می‌کند و هم امکان بروز برخی مشکلات ناشی از فرآیندهای پیچیده اداری کاهش خواهد یافت.

پوردهقان ادامه داد: اتفاقاتی که در ماه‌های اخیر رخ داده و شرایط خاص کشور نیز در تسریع برخی فرآیندها مؤثر بوده، نشان داد بسیاری از نامه‌نگاری‌ها و رفت‌وآمدهای اداری که تصور می‌کردیم اجتناب‌ناپذیر هستند، قابلیت حذف یا کوتاه شدن دارند. در حوزه تجارت و کسب‌وکار، این موضوع اهمیت زیادی دارد، زیرا فعال اقتصادی بیش از هر چیز به سرعت، شفافیت و پیش‌بینی‌پذیری نیاز دارد.

عضو کمیسیون صنایع و معادن مجلس تصریح کرد: البته نمی‌توان گفت همه مشکلات برطرف شده است. همچنان گلاویه‌های جدی از سوی تجار و فعالان اقتصادی به مجلس منتقل می‌شود که نشان می‌دهد در برخی دستگاه‌های اجرایی هنوز گیر و بندهای اداری و فرآیندهای زمان‌بر وجود دارد. اگر قرار است هوشمندسازی به نتیجه واقعی برسد، نباید صرفاً بخشی از فرآیند دیجیتالی شود و در بخش دیگر همان بروکراسی گذشته ادامه پیدا کند.

وی با اشاره به ارتباط هوشمندسازی با توسعه اقتصاد دیجیتال گفت: تحول دیجیتال زمانی می‌تواند اثر اقتصادی واقعی داشته باشد که تمام زنجیره ارائه خدمات را تحت تأثیر قرار دهد. نمی‌توان از اقتصاد دیجیتال و تسهیل فضای کسب‌وکار صحبت کرد، اما فعال اقتصادی همچنان برای انجام یک کار ساده مجبور باشد میان چند دستگاه و سامانه مختلف رفت‌وآمد کند یا با فرآیندهای اداری پیچیده مواجه شود.

پوردهقان خاطرنشان کرد: یکی از اهداف اصلی این تحول باید کاهش هزینه و زمان فعالیت اقتصادی باشد. هر اندازه فرآیندهای اداری شفاف‌تر، سریع‌تر و هوشمندتر شوند، زمینه برای فعالیت بخش خصوصی و توسعه کسب‌وکارها نیز فراهم‌تر خواهد شد. در شرایط فعلی، دستگاه‌های اجرایی باید به سمت یکپارچه‌سازی اطلاعات و حذف موازی‌کاری حرکت کنند.

وی در پایان تأکید کرد: روندی که وزارت اقتصاد در زمینه هوشمندسازی و تسهیل فرآیندهای مجوزها و مقررات زدایی در گمرکات و اقتصاد دیجیتال آغاز کرده، باید با قدرت در سال سوم دولت نیز ادامه پیدا کند و سایر مشکلات نیز به‌تدریج برطرف شود. مجلس نیز مطالبات و گلاویه‌های فعالان اقتصادی را دنبال می‌کند و انتظار این است که دستگاه‌های اجرایی با جدیت بیشتری برای حذف موانع و بروکراسی‌های زائد اقدام کنند تا نتیجه این اقدامات در زندگی اقتصادی مردم و فعالیت تجار و تولیدکنندگان قابل مشاهده باشد.



نوسانات نرخ ارز و ناترازی انرژی از مهم‌ترین چالش‌های بنگاه‌های اقتصادی است



سیاست بازسازی طی سال‌های گذشته نتوانسته پاسخگوی حل مسائل و مشکلات این بخش باشد



سیاست بازسازی طی سال‌های گذشته نتوانسته پاسخگوی حل مسائل و مشکلات این بخش باشد

بخش تولید در شرایطی به فعالیت خود ادامه می‌دهد که مجموعه‌ای از چالش‌های ارزی و انرژی، بیش از پیش بر توان بنگاه‌های اقتصادی برای حفظ تولید، اشتغال و سرمایه‌گذاری سایه انداخته است. نوسانات نرخ ارز، دشواری تأمین ارز برای مواد اولیه، قطعات و تجهیزات و همچنین پیچیدگی فرآیندهای تخصیص ارز، از یک سو هزینه و ریسک فعالیت اقتصادی را افزایش داده و از سوی دیگر، امکان برنامه‌ریزی بلندمدت را برای تولیدکنندگان محدود کرده است. در کنار این مشکلات، ناترازی انرژی و قطعی و نوسان برق نیز به یکی از مهم‌ترین موانع استمرار فعالیت واحدهای صنعتی تبدیل شده؛ مشکلی که تنها به توقف خطوط تولید محدود نمی‌شود و با تحمیل خسارت، افزایش هزینه‌های عملیاتی و کاهش ظرفیت تولید، فشار مضاعفی بر بنگاه‌ها وارد می‌کند. هم‌زمانی این دو چالش، شرایطی را رقم زده که در آن تولیدکننده به جای تمرکز بر توسعه، نوسازی و افزایش بهره‌وری، بخش قابل‌توجهی از توان خود را صرف مدیریت بی‌ثباتی‌های موجود می‌کند. در این گزارش نگاهی دارد به مشکلات واحدهای صنعتی در کشور که در ادامه می‌خوانید.

بخش تولید در اقتصاد ایران سال‌هاست با مجموعه‌ای از موانع و محدودیت‌ها دست‌وپنجه نرم می‌کند؛ اما آنچه در شرایط کنونی اهمیت بیشتری پیدا کرده، هم‌زمانی مشکلات و تبدیل شدن آنها به زنجیره‌ای از فشارهای متقابل است. تولیدکننده امروز تنها با یک مشکل مشخص مواجه نیست، بلکه باید به‌طور هم‌زمان با نوسانات نرخ ارز، دشواری تأمین مواد اولیه و قطعات، محدودیت‌های ارزی، قطعی و نوسان برق و افزایش هزینه‌های تولید مقابله کند. در چنین شرایطی، مسئله اصلی دیگر صرفاً افزایش هزینه تولید نیست؛ بلکه بی‌ثباتی و کاهش امکان برنامه‌ریزی است که بیش از هر عامل دیگری، فعالیت بنگاه‌های اقتصادی را تحت‌تأثیر قرار می‌دهد.

فعال اقتصادی برای آنکه بتواند تولید خود را حفظ کند، نیازمند محیطی قابل پیش‌بینی است. زمانی که نرخ ارز به‌طور مداوم دچار نوسان می‌شود و فرآیند تخصیص ارز نیز با ابهام، تأخیر یا تغییرات مکرر همراه است، امکان برنامه‌ریزی برای خرید مواد اولیه، قطعات و تجهیزات از بین می‌رود. از سوی دیگر، وقتی واحد تولیدی نمی‌داند برق موردنیازش در چه شرایطی تأمین خواهد شد و چه زمانی با قطعی یا نوسان شبکه مواجه می‌شود، حتی برنامه‌ریزی برای تولید روزانه نیز دشوار خواهد شد. بنابراین مشکلات ارزی و انرژی را نمی‌توان دو مسئله کاملاً جدا از یکدیگر دانست؛ این دو در کنار هم، فشار مضاعفی بر بخش تولید وارد می‌کنند.

ارز؛ از ابزار تجارت تا عامل بی‌ثباتی

یکی از مهم‌ترین مشکلات بنگاه‌های اقتصادی، بی‌ثباتی در بازار ارز و دشواری دسترسی به منابع ارزی است. تولیدکننده‌ای که برای ادامه فعالیت خود به مواد اولیه، قطعات یا ماشین‌آلات نیاز دارد، نمی‌تواند نسبت به نرخ ارز و زمان تأمین آن بی‌تفاوت باشد. هرگونه تغییر در نرخ ارز، مستقیم هزینه تمام‌شده تولید را افزایش می‌دهد و در بسیاری از موارد، بنگاه را ناچار می‌کند برای خرید بعدی با هزینه‌ای بیشتر وارد بازار شود.

وی افزود: نوسانات شدید نرخ ارز طی روزهای اخیر، علاوه بر ایجاد بی‌ثباتی در فضای کسب‌وکار، تأمین مواد اولیه، قطعات و سایر نیازهای واحدهای تولیدی را با مشکل مواجه کرده و هزینه‌های فعالیت اقتصادی را افزایش داده است.

محمدعلی چمنیان، فعال حوزه صنعت نیز با اشاره به مشکلات فعالان اقتصادی در حوزه ارز به گفت: طی سال‌های اخیر، روند تخصیص ارز و اطلاع‌رسانی نامناسب در این بخش، اختلال‌های قابل‌توجهی در فعالیت‌های اقتصادی ایجاد کرده است. به گفته وی، ادامه این وضعیت نشان می‌دهد که تغییر ساختارها و به‌روزرسانی نرم‌افزارها و سامانه‌های مرتبط با حوزه ارز، می‌تواند به بهبود روند موجود و کاهش بخشی از مشکلات فعالان اقتصادی کمک کند.

چمنیان با اشاره به پیامدهای منفی چندنرخ بودن ارز در کشور اظهار کرد: سیاست بازسازی در حوزه ارز طی سال‌های گذشته نتوانسته پاسخگوی حل مسائل و مشکلات این بخش باشد. در سال‌های اخیر، اجرای سیاست‌هایی مانند ارز نیمایی، ایجاد بازار مبادله و راه‌اندازی تالارهای اول و دوم، نه‌تنها نتوانسته مشکلات بازار ارز را برطرف کند، بلکه در عمل موجب افزایش نرخ ارز شده و فشار بیشتری را به فعالان اقتصادی وارد کرده است.

وی با تأکید بر ضرورت بازنگری در سیاست‌های ارزی کشور خاطرنشان کرد: تعدد سازوکارها و تغییرات مکرر در شیوه تخصیص ارز، فرآیند فعالیت اقتصادی را برای تولیدکنندگان و تجار دشوار

از چالش‌های صنعت گزارش می‌دهد

تولید در تنگنای ارز و انرژی



تولید در محاصره مشکلات

این خسارت وجود نداشته باشد. از یک سو، تولیدکننده با افزایش هزینه حامل‌های انرژی مواجه است و از سوی دیگر، باید خسارت ناشی از اختلال در تأمین انرژی را نیز تحمل کند. چنین شرایطی، فشار بر نقدینگی بنگاه را افزایش داده و توان آن برای سرمایه‌گذاری، نوسازی و توسعه را کاهش می‌دهد.

در این میان، سیاست‌گذاری در حوزه انرژی باید شرایط واقعی تولید را در نظر بگیرد. نمی‌توان از بنگاه اقتصادی انتظار داشت که در شرایط ناپایدار انرژی، تولید و اشتغال خود را حفظ کند، اما هم‌زمان هزینه‌های ناشی از اختلالات شبکه نیز به‌طور کامل بر دوش او گذاشته شود. حمایت از تولید زمانی معنا پیدا می‌کند که سیاست‌های انرژی با واقعیت‌های فعالیت بنگاه‌ها هماهنگ باشد.

مهم‌ترین نگرانی آن است که مشکلات ارزی و انرژی، یکدیگر را تشدید کنند. افزایش نرخ ارز هزینه واردات مواد اولیه، قطعات و تجهیزات را بالا می‌برد و ناترازی انرژی نیز هزینه عملیاتی تولید را افزایش می‌دهد. نتیجه این فرایند، رشد نرخ تمام‌شده، کاهش حاشیه سود، افت توان رقابتی و محدود شدن ظرفیت سرمایه‌گذاری است. در چنین شرایطی، بنگاه اقتصادی به جای آنکه منابع خود را صرف توسعه فناوری، افزایش کیفیت، نوسازی ماشین‌آلات و توسعه بازار کند، ناچار است بخش بیشتری از توان خود را برای عبور از موانع روزمره هزینه کند.

مسئله اصلی امروز، صرفاً کمبود ارز یا برق نیست؛ مسئله، نبود ثبات در محیطی است که تولیدکننده باید در آن تصمیم بگیرد. هر اندازه سیاست‌های ارزی و انرژی هماهنگ‌تر، شفاف‌تر و متناسب‌تر با نیازهای بخش تولید طراحی شوند، امکان حفظ ظرفیت‌های موجود و حرکت به سمت توسعه نیز بیشتر خواهد شد. حمایت واقعی از تولید یعنی کاهش ناطمینانی، جبران منطقی خسارت‌ها، تسهیل دسترسی به منابع و فراهم کردن شرایطی که بنگاه اقتصادی به جای عبور از بحران‌های روزمره، بتواند برای آینده تولید برنامه‌ریزی کند.



همچنان برای حفظ تولید و اشتغال تلاش می‌کنند و انتظار می‌رود دولت نیز با اتخاذ سیاست‌های مناسب، زمینه استمرار فعالیت و افزایش تاب‌آوری بنگاه‌ها را فراهم کند.

یوسفی با اشاره به خطرات مکرر درباره قطع برق واحدهای تولیدی در صورت عدم پرداخت قبوض خاطرنشان کرد: در شرایطی که تولیدکنندگان از نوسانات برق متحمل خسارت شده‌اند، لازم است سازوکار مشخصی برای رسیدگی و جبران خسارت‌های وارده به واحدهای تولیدی پیش‌بینی شود.



حوزه باشند. وی افزود: سرمایه‌گذاران برای واردات تجهیزات نیروگاهی و توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر به منابع ارزی نیاز دارند، اما مکانیسم فعلی تخصیص ارز، پاسخ مناسبی به این نیاز نداده و همین مسئله می‌تواند روند توسعه این بخش را با محدودیت مواجه کند.

سخن پایانی

است. در کنار این مشکلات، ناترازی انرژی و قطعی و نوسان برق نیز به یکی از مهم‌ترین موانع استمرار فعالیت واحدهای صنعتی تبدیل شده؛ مشکلی که تنها به توقف خطوط تولید محدود نمی‌شود و با تحمیل خسارت، افزایش هزینه‌های عملیاتی و کاهش ظرفیت تولید، فشار مضاعفی بر بنگاه‌ها وارد می‌کند. هم‌زمانی این دو چالش، شرایطی را رقم زده که در آن تولیدکننده به جای تمرکز بر توسعه، نوسازی و افزایش بهره‌وری، بخش قابل‌توجهی از توان خود را صرف مدیریت بی‌ثباتی‌های موجود می‌کند.

در کنار نوسانات نرخ ارز، چندین بون سازوکارهای ارزی نیز بر پیچیدگی فعالیت اقتصادی افزوده است. ایجاد بازارها و تالارهای مختلف، تغییر روش‌های تخصیص ارز و ضعف در اطلاع‌رسانی می‌تواند فرآیند تصمیم‌گیری بنگاه‌ها را دشوارتر کند. تولیدکننده زمانی می‌تواند برای توسعه فعالیت خود سرمایه‌گذاری کند که بداند منابع ارزی موردنیاز او با چه سازوکاری و در چه بازه زمانی در دسترس خواهد بود. نبود چنین اطمینانی، سرمایه‌گذاری را به تعویق می‌اندازد و حتی می‌تواند واحدهای فعال را نیز به سمت کاهش ظرفیت تولید سوق دهد. این مسئله در حوزه انرژی‌های تجدیدپذیر نیز اهمیت ویژه‌ای دارد. توسعه نیروگاه‌ها و تجهیزات مرتبط با انرژی‌های نو، نیازمند سرمایه‌گذاری و دسترسی به تجهیزات تخصصی است. اگر سازوکار تأمین ارز برای واردات این تجهیزات کارآمد نباشد، حتی زمانی که اراده‌ای برای توسعه ظرفیت تولید برق وجود داشته باشد، اجرای پروژه‌ها با مانع مواجه خواهد شد. بنابراین، اصلاح سازوکارهای ارزی تنها به تجارت خارجی یا واردات مواد اولیه محدود نمی‌شود، بلکه مستقیم با توسعه زیرساخت‌های تولید و حل ناترازی انرژی نیز ارتباط پیدا می‌کند.

■ **ناترازی انرژی؛ هزینه‌ای که فقط به خاموشی محدود نمی‌شود**
ناترازی انرژی نیز در سال‌های اخیر به یکی از جدی‌ترین چالش‌های بخش تولید تبدیل شده است. قطع برق یا نوسان شبکه صرفاً به معنای توقف چند ساعته فعالیت یک واحد صنعتی نیست. هر توقف می‌تواند فرآیند تولید را مختل کند، به مواد اولیه و تجهیزات آسیب برساند، برنامه تحویل محصولات را به هم بزند و هزینه‌های مضاعفی برای راه‌اندازی مجدد خطوط تولید ایجاد کند. در برخی صنایع، این آسیب‌ها بسیار فراتر از مدت زمان قطعی برق است و آثار آن تا مدت‌ها در روند فعالیت واحد باقی می‌ماند.

مشکل زمانی جدی‌تر می‌شود که واحد تولیدی بابت قطعی یا نوسان برق متحمل خسارت شود، اما سازوکار روشنی برای رسیدگی و جبران

ضرورت حمایت ارزی از تولید

■ **خسارت ناترازی انرژی به تولید**
فعال حوزه صنعت با اشاره به مشکلات ناشی از ناترازی انرژی گفت: واحدهای تولیدی از نوسانات شبکه برق نیز خسارت‌های قابل‌توجهی متحمل شده‌اند؛ خسارت‌هایی که در بسیاری از موارد جبران نشده و استمرار آن می‌تواند تولید و اشتغال را با آسیب جدی مواجه کند. انتظار بخش خصوصی این است که مسئولان در کنار موضوع افزایش تعرفه‌های برق و گاز، به شرایط واقعی تولید و خسارت‌های ناشی از نوسانات انرژی نیز توجه کنند و سیاست‌های حمایتی خود را متناسب با شرایط بنگاه‌های اقتصادی تنظیم کنند. وی با تأکید بر ضرورت تقویت رویکرد تعاملی دولت با بخش خصوصی ادامه داد: واحدهای تولیدی در شرایط دشوار اقتصادی

سیاست بازسازی ارزی؛ راه‌حل مسائل اقتصادی نیست

کرده و موجب افزایش ناطمینانی در فضای کسب‌وکار شده است. از این‌رو، اصلاح ساختارها و ایجاد سازوکاری کارآمدتر می‌تواند به رفع بخشی از مشکلات این حوزه کمک کند.

چمنیان در ادامه با اشاره به ناترازی انرژی و قطعی‌های برق در صنایع گفت: اگرچه در مسیر توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر اقدامات مناسبی انجام شده و ظرفیت‌هایی در این زمینه ایجاد شده است؛ بااین‌حال، سیاست‌های ارزی و سازوکار موجود در تخصیص ارز تاکنون نتوانسته‌اند به شکل مؤثر پاسخگوی نیاز سرمایه‌گذاران این

بخش تولید در شرایطی به فعالیت خود ادامه می‌دهد که مجموعه‌ای از چالش‌های ارزی و انرژی، بیش از گذشته بر توان بنگاه‌های اقتصادی برای حفظ تولید، اشتغال و سرمایه‌گذاری سایه انداخته است.

نوسانات نرخ ارز، دشواری تأمین ارز برای مواد اولیه، قطعات و تجهیزات و همچنین پیچیدگی فرآیندهای تخصیص ارز، از یک سو هزینه و ریسک فعالیت اقتصادی را افزایش داده و از سوی دیگر، امکان برنامه‌ریزی بلندمدت را برای تولیدکنندگان محدود کرده